

مهرگان در عصر اسلامی و بازتاب آن در ادب عربی این دوره

بهرام امینی چاکلی

عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان

چکیده

اعیاد، یکی از مشخصه‌های فرهنگی اقوام مختلف هستند که فلسفه پیدایش و تحولات تاریخی آنها در گستره زمان و در اقوام مختلف، در متون تاریخی و ادبی قدیم بازتاب می‌یابند. عید مهرگان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین اعیاد باستانی ایران که دارای فلسفه پیدایش خاصی است، توانست با استفاده از توانمندی‌هایش، در صدر اسلام و عصر اموی و عباسی با همه ناملایماتی که از حیث سیاسی و عقیدتی با آن مواجه بود به حیات خویش ادامه دهد. متون ادبی و تاریخی این ادوار، به ویژه دوره عباسی، با عنایت به فلسفه بازتاب وقایع اجتماعی و تاریخی آنها به خوبی توانست جنبه‌های گوناگونی از عید مهرگان، مانند: پیدایش مهرگان، گستردگی، چگونگی و تأثیراتش را در عرصه اجتماع و به تبع آن، در عرصه ادب بیان کند.

کلیدواژه‌ها: مهرگان، المهرجان، میراث فرهنگی، مهرگان در عصر اسلامی.

مقدمه

اگر نگاه عمیق تری به محتوای آثار ادبی داشته باشیم و یا به عبارتی دیگر، نگاهمان به ادبیات، نگرشی تاریخی - اجتماعی باشد، درمی‌یابیم که واقعیت‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی در آن به صورت آثاری متجلی می‌شود که در عین برخورداری از

ارکان هنری و ادبی، دارای محتوا و مضمونی است که بار بسیاری از مشخصه‌های اجتماعی و فرهنگی ادوار تاریخی را به دوش می‌کشد. مهرگان به‌عنوان یک سنت دیرینه فرهنگی، خود را در آثار شاعران و ادیبان منعکس کرده و این فرصت را برایمان فراهم ساخته است که بتوانیم جوانب گوناگون این عید باستانی را از دل ادبیات عربی عصر اسلامی، به‌ویژه عصر عباسی، مورد کنکاش و بررسی قرار دهیم.

اعیاد در دوره‌های گوناگون تاریخی و در نزد اقوام مختلف بشری، فرصت‌های خاصی برای ابراز جشن و شادی بوده و اکثر آنها به سبب داشتن ریشه و منشأی اعتقادی و دینی با اسطوره‌های پیشینیان نیز پیوند خورده است. همان‌گونه که عید فطر و قربان در نزد مسلمانان، عید میلاد مسیح در نزد مسیحیان و عید صوماریا در نزد یهودیان دارای ریشه و صورتی دینی است، مهرگان نیز حاکی از فرود الهه نور و روشنایی به‌همراه جشن و شادی بر زمین و آمیزه‌ای از نماد رفع ظلم کاوه آهنگر علیه ضحاک ستمگر است. در این روز هنگام طلوع آفتاب یکی از سپاهیان در حیاط کاخ پادشاهی می‌ایستاد و فریاد می‌زد فرشتگان به عالم فرود آید و شیاطین و بدکاران را بزنید و از دنیا برانید! فریاد نماینده قصر سلطنتی در هنگام طلوع آفتاب مبنی بر فرود فرشتگان و طرد شیاطین، برخاسته از توجه ایرانیان به اصول اعتقادی نور و ظلمت، مهر و مهرپرستی و دفع هرگونه ظلمت و تاریکی است.

وجه تسمیه و تاریخچه مهرگان

همانطور که ذکر شد، عید مهرگان از جمله اعیادی است که از یک سو رنگ و نمادی دینی داشته و از سوی دیگر، با حماسه‌ها و اسطوره‌های ایرانیان گره خورده است. درباره وجه تسمیه مهرگان اقوال گوناگونی وجود دارد؛ الوسی به‌نقل از مسعودی آورده است: ایرانیان ماه‌هایشان را با نام پادشاهان نامگذاری می‌کردند. آنها پادشاهی به نام مهر داشتند که سرشار از خشونت بود. این پادشاه در نیمه ماه مهر مرد و به همین علت مردم روز مرگش را مهرگان نام نهادند و جشن گرفتند (شکری‌الوسی، ۱۳۴۲ ه. ق. ج ۱، ص

مهرگان در عصر اسلامی و بازتاب آن در ادب عربی این دوره ۱۳

۳۵۲). عده‌ای نیز عقیده دارند این واژه از دو کلمه «مهر» به معنای حفاظ و نگه‌دارنده و «جان» به معنای روح تشکیل شده است. عبیدالله بن عبدالله بن طاهر شاعر در این باره می‌گوید:

إِذَا مَا تَحَقَّقَ بِالْمَهْرِجَا نَ مَنْ يَعْرِفُ مَعْنَاهُ غَاظًا
و مَعْنَاهُ إِنْ غَلَبَ الْفَرَسُ فِيهِ فَسَمَّوْهُ لِلرَّوْحِ فِيهِ جِغَاظًا

(همان، ص ۲۹۱)

و برخی «مهر» را به معنای وفا و «جان» را به معنای سلطان گرفته‌اند و آن را به صورت «سلطان الوفا» تفسیر می‌کنند (القلقشندی، ۱۳۸۳ هـ. ق: ج ۱۳، ص ۳۵۴). در کنار دو روایت اخیر که بدون توجه به معرب شدن مهرگان به صورت مهرجان، این واژه را تحلیل کرده است، نظر ابراهیم پورداوود درست‌تر و مطمئن‌تر به نظر می‌رسد. او می‌گوید: «نام مهر در کتاب (اوستا) به صورت: میثرا^۱، و در فارسی قدیم و سانسکریت به شکل میترا^۲ آمده است و این کلمه در اوستا به معنای پیمان و عهد و نیز به معنی الهه نور یا پادشاه نور بود و یک بار در سرود «اِشتو» از مجموعه «گات‌ها» که از سروده‌های پیامبر زرتشت است به معنی رباط و تعهد آمده است، و در کتاب فدا^۳ - کتاب مقدس هندیان - لفظ میترا به معنی صدیق و صداقت ذکر شده است. در زبان فارسی، مهر به معنی عهد، میثاق و صداقت باقی مانده است و همان‌گونه به خورشید، ماه هفتم سال و روز شانزدهم از هر ماه اطلاق می‌شده است (پورداوود، ۱۳۳۸ هـ. ش: ۱۲۴)

اگرچه وجه تسمیه مهرگان به‌طور متعدد تفسیر شده است، سنتی را که ابوریحان بیرونی از مهرگان در دوره ساسانیان نقل کرده است تا حد زیادی وجه تسمیه مهرگان را برای ما روشن می‌سازد. او می‌گوید: در دوره ساسانیان، شاهان ساسانی در این روز تاج (مخصوصی) بر سر می‌نهادند که عکس آفتاب در میان چرخ گردان بر روی تاج شاه نقاشی شده بود و به همین سبب است که شاعر گفته است:

1. Mithra
3. Veda

2. Mitra

فی الیوم المبارک من شهرِ مهر

وَضَعَ عَلَي رَاسِهِ ذَلِك التَّاجِ الْكِيَانِي

(بیرونی، ۱۳۵۲ هـ. ش: ۲۹۱)

نقاشی و شکل منحصر به فرد این نوع تاج و استعمال آن در عید مهرگان توسط شاه باتوجه به تقدس آفتاب در فرهنگ کهن ایرانیان که نمادی از نور بوده است، این نکته را روشن می‌کند که مهرگان از دو واژه «مهر» به معنای خورشید (حموی، ۱۴۰۸ هـ. ق: ج ۵، ص ۲۳۲) و الهه نور و پسوند «گان» تشکیل شده و چون خورشید و الهه نور مبدأ و منبع خیر و خوبی بوده، بعدها مفاهیم نیکی مانند: درستی، صداقت و پایبندی به عهد و پیمان را به خود گرفته است. این واژه بعدها در دوره اسلامی معرب شده و به صورت «مهرجان» درآمده است، به نحوی که امروزه این کلمه در ادبیات عربی به معنی «جشنواره» به کار می‌رود.

همان‌گونه که وجه تسمیه مهرگان حاکی از مهر و الهه نور و اصول اعتقادی ایرانیان باستان است، تاریخچه این عید نیز با افسانه‌ها و اسطوره‌های باستانی این سرزمین آمیخته شده است.

صاحب کتاب محاضرات الأدب می‌گوید: مأمون از یارانش درباره اصل و پیدایش مهرگان پرسید. به او پاسخ دادند که پادشاهی بیوراسف (ستمگر) حدود هزار سال طول کشید. فریدون پادشاه بر او حمله کرد و او را در مغرب زمین در کوه دماوند، در نیمه ماه مهر اسیر کرد و آن روز مهرگان نام گرفت و به دلیل بزرگداشت این عمل، این روز سنتی برای آنها شد. نوروز حدود دو هزار و پانصد سال بیشتر از مهرگان قدمت دارد. (الاصفہانی، ۱۴۲۵ هـ. ق: ج ۴، ص ۴۶۲).

صاحب کتاب «بلوغ الأرب» در بیان تاریخچه مهرگان از قهرمانی کاوه آهنگر و اقدام فریدون شاه برای زندانی کردن ضحاک ستمگر در کوه دماوند، در روزی که مهرگان نام گرفت، سخن گفته است. ابن اثیر نیز مانند او با استناد به اقوال ایرانیان، به مسئله ضحاک اشاره کرده است و می‌گوید: «... افریدون (فریدون)، ضحاک (خونخوار) را در روز مهرگان

مهرگان در عصر اسلامی و بازتاب آن در ادب عربی این دوره ۱۵

اسیر کرد و (بدین مناسبت) ایرانیان می‌گفتند: «أمد مهرجان لقتل من كان يذبح...» (شکری‌الوسی، ۱۳۴۲ هـ. ق. ج ۱، ص ۳۵۴؛ ابن‌الاثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰).

تقریباً اکثر منابع، تاریخچه مهرگان را با پادشاهی فریدون همراه دانسته‌اند و این امر نشان‌دهنده این مطلب است که پیدایش مهرگان در زمان پادشاهی فریدون بوده است؛ پادشاهی که ستمگری مانند ضحاک را از بین برده است. شاعر عرب به این واقعه تاریخی اشاره می‌کند و می‌گوید:

كَأَنَّهُ الضَّحَاكُ فِي فِتْكَاتِهِ بِالْعَالَمِينَ وَأَنْتَ افْرِيدُونُ

(الجاحظ، ۱۴۰۶ هـ. ق. ۲۳۱)

گویی او در یورش‌ها و غارتگری‌هایش بر جهانیان مانند ضحاک ستمگر و تو همانند فریدون پادشاهی.

مهرگان که در شانزدهم ماه مهر (یعنی روز مهر از ماه مهر) هر سال برگزار می‌شد، در نزد و اعتقاد ایرانیان، هنگامه بازگشت است. این روز یادآور روز قیامت و نهایت حیات در جهان است، چرا که اعتقاد بر این بود که در این روز هر چیزی که دارای رشد و نمو بوده، به منتهای رشد خود رسیده و رو به پژمردگی خواهد گذاشت. در این روز دروازه‌های بارانی و برفی آسمان گشوده می‌شود و دوره حاکمیت سرما و برف و باران فرا می‌رسد. شاعر عرب، ابن‌رومی، به فرا رسیدن هنگام ریزش برف و باران اشاره می‌کند و می‌گوید:

أَحِبُّ الْمَهْرَجَانَ لِأَنَّ فِيهِ سُرُورًا لِلْمَلُوكِ ذَوِي السِّنَاءِ

(شکری‌الوسی، ۱۳۴۲ هـ. ق. ج ۱، ص ۳۵۵)

مهرگان را دوست دارم زیرا در آن روز پادشاهان شهیر و بزرگ شادمانند.

و باباً للمصير الى أوانٍ تفتح فيه أبواب السماء

(همان)

مهرگان را دوست دارم چون در آن دروازه‌ای برای مسیل آب‌ها وجود دارد، هنگامی که دروازه‌های آسمان برای بارش گشوده می‌شود.

مهرگان در صدر اسلام و پیش از آن در جزیره العرب

از آنجا که ساسانیان در برخی از مناطق جزیره العرب، مانند: یمن، بحرین و حجاز نفوذ داشتند، این احتمال وجود دارد که در نتیجه این نفوذها و تماس‌ها، اعراب این مناطق از اعیاد بزرگی مانند نوروز و مهرگان تا حدودی شناخت داشته باشند. هجو اخطل و قبیله‌اش تغلب که جریر سروده است بیانگر این نکته است که این قبیله هدیه‌های نوروزی را طبق یک سنت دیرینه به پادشاهان ایرانی تقدیم می‌کرده است. جریر، شاعر عصر اموی، در هجو اخطل در این باره می‌گوید:

عَجِبْتُ لِفَخْرِ التُّغَلْبِيِّ وَ تَغَلِبِ

تُوْدَى جَزَى النِّيرِوزِ خُضْعاً رِقَابِهَا

(ابومنصور الجوالیقی، ۱۳۶۱ هـ. ق، ص ۳۴۰)

از فخر فروشی اخطل و قبیله‌اش تغلب تعجب کردم، چرا که آنها با ذلت و خواری هدیه‌های نوروزی به شاهان ایران می‌دادند.

بیرونی می‌گوید:

پیامبر وارد شهر مدینه شد در حالی که مردم این شهر دو روز از سال را جشن می‌گرفتند، پس پیامبر فرمود: «ما هذا الیومان؟» پاسخ دادند ما در دوره جاهلیت این دو روز را جشن می‌گرفتیم. پیامبر فرمود: «قد أبدلکم الله بهما (نوروز و مهرگان) خیراً منهما یوم الأضحی و یوم الفطر». (بیرونی، ۱۳۵۲ هـ. ش: ص ۳۶۶)

همین مورخ روایت دیگری را از قول سلمان فارسی نقل کرده است که سلمان به اعراب می‌گفت: ما در عهد زرتشتی می‌گفتیم خداوند برای زینت بندگان خود یاقوت را در نوروز و زبرجد را در مهرگان بیرون آورد و فضل این دو روز، همانند فضل یاقوت و زبرجد است بر جواهر دیگر. (همان، ص ۲۹۱)

مسعودی نیز در شرح اعیاد ایرانی آورده است که مردم جزیره العرب از اعیاد باستانی ایران به جز عید «الکوسج» آگاهی داشتند (مسعودی، بی تا: ج ۱، ص ۵۵۴). مهاجرت برخی از ایرانیان در گذشته به مدینه، مطابق روایت جاحظ و گسترش واژه‌های فارسی الخریز، الفالوذج و... در این شهر و سایر نقاط سوق الجیشی تحت نفوذ ایران (الجاحظ، ۱۴۰۶ هـ.

مهرگان در عصر اسلامی و بازتاب آن در ادب عربی این دوره ۱۷

ق: ۲۳۷) و آگاهی برخی از صحابه و یاران پیامبر، مانند سلمان فارسی و ابن عباس از اصطلاحات مرسوم مهرگانی و نوروزی حاکی از اطلاع و شناخت اعراب از این اعیاد در صدر اسلام و پیش از آن است.

زمخشری در الکشاف در تفسیر آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّالِحِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا...» (حج/۱۷)، در توضیح عبارت «وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا...» از زبان سیوطی در نقلی از ابن عباس آورده است:

و قيل أراد بالَّذِينَ أَشْرَكُوا المَجُوسَ، لأنهم كانوا يقولون لملوكهم: عَشْ أَلْفَ نِيروز و أَلْفَ مَهْرَجَان، و عن ابن عباس رضي الله عنه: هو قول الاعاجم: زِي هزار سال... (الزمخشری، بی تا: ج ۳، ص ۸۳).

بنابراین همان گونه که از روایت‌های گوناگون نقل شده استنباط می‌شود و با توجه به سابقه نفوذ ایران در شبه جزیره عرب، خواه به طور مستقیم و یا به طور غیرمستقیم از طریق حکومت دست‌نشانده حیره و پادشاهان تابعه، احتمالاً عید مهرگان در برخی از مناطق عربستان، مانند مدینه هرچند به طور ناقص رواج داشته است و مناطق دیگری از این شبه جزیره تا حدودی از کم و کیف آن آگاه بوده‌اند.

مهرگان در دوره خلفای راشدین

عید مهرگان با ورود دین مبین اسلام، همچنان در سرزمین ایران به حیات خویش در میان توده مردم ادامه می‌داد هرچند در برخی از مناطقی که اعراب در این دوره فتح کرده بودند اجرای آن در سطح هیئت حاکمه دچار چالش جدی شده بود. برگزاری جشن و شادی عید مهرگان نه تنها مورد توجه خلفای راشدین نبود، بلکه در اخذ هدایای مهرگانی، خلفای مسلمان در چهارچوب دستورات پیامبر و قرآن کریم عمل می‌کردند. عمر، گرفتن هدایای مهرگانی را توسط حاکم‌اش - قلمروهای مختلف فتح شده ممنوع اعلان کرده بود.

ابوبکر صولی به نقل از محمد بن کعب القرظی روایتی نقل کرده است که این مطلب را

تأیید می‌کند. او می‌گوید که مردم عراق به من خبر داده‌اند خراج در دورهٔ عمر و عثمان صد هزار هزار (درهم) بوده است و زمانی که معاویه به حاکمیت رسید به پنجاه هزار هزار (درهم) بالغ بود و هدیه‌های نوروز و مهرگان نیز در عهد معاویه به میزان پنجاه هزار هزار (درهم) بود که به خود معاویه اختصاص داشت و بدین منوال ادامه یافت تا اینکه عمر بن عبدالعزیز به ولایت رسید. او به عبدالحمید بن عبدالرحمن - والی سرزمین عراق - دستور داد مطابق دستور عمر عمل کند و از هدایای مردم به مناسبت اعیادشان چیزی را نپذیرد (الصولی، ۱۳۴۱ هـ. ق: ۲۲۰).

عثمان خلیفهٔ مسلمانان نیز از پذیرفتن این هدایا استقبال نمی‌کرد. بلعمی می‌گوید: در سال ۳۰ هجری قمری، یعنی زمان زمامداری عثمان، مردم خراسان مرتد شده و از دین اسلام برگشته بودند. مردم بلخ برای بشر - حاکم بلخ - که از سوی احنف، امیر بلخ شده بود، هدایای مهرگانی نظیر لباس، اسب، سلاح و ظرف‌های گرانبها مطابق رسم ایرانیان آوردند. بشر پرسید: این چیست و به چه مناسبت است؟ گفتند: این در حساب نیست، بلکه هدیه‌ای است به رسم ما که به امیران و مهتران در این روز می‌بخشیم. بشر اموال را همچنان بنهاد و آنها را به احنف داد. او نیز نپذیرفت؛ پس مجبور شدند آنها را نزد عبدالله بن عامر در نیشابور ببرند. او نیز آن را به غلام خویش داد تا برای عثمان بفرستد. غلام آنها را گرفت (و برای عثمان) نفرستاد و در خزانه نهاد و هر سال آنچه از هدایای نوروزی و مهرگانی می‌آوردند در همانجا می‌نهادند تا اینکه مال بسیاری گرد آمد. (بلعمی، ۱۳۷۰ هـ. ش: ۹۰)

اینکه حاکمان سرزمین‌های ایران هدایای نوروزی و مهرگانی را در زمان عثمان دست به دست می‌کردند و آنها را نمی‌پذیرفتند حاکی از آن است که چنین رسم و دستوری از سوی خلیفه صادر نشده بود و اینکه مطابق آنچه در روایت بالا آمده است، هدایای نوروزی و مهرگانی هر سال در انبار انباشته می‌شد، بیانگر عدم استقبال عثمان از این هدایا بود. حاکمان عرب به این اعیاد در دورهٔ خلفای راشدین توجه چندانی نداشتند و از حمله به مردم در هنگام برگزاری جشن مهرگان دریغ نمی‌کردند.

ابن اثیر می‌گوید:

پس از اینکه سیستان در روزگار عمر بن خطاب فتح شد، مردمش در دوره عثمان از دین اسلام برگشتند و زمانی که عبدالله بن عامر رهسپار خراسان شد، ربیع بن زیاد الحارثی از کرمان رهسپار سیستان شد و پس از طی بیابان‌ها به حصن «الزالیق» رسید و در روز مهرگان بر مردم این شهر حمله برد و آن را غارت کرد و دهقان را به اسارت گرفت. پس دهقان خود را گروگان او قرار داد و پوست بزی از طلا و نقره پر کرد و به او داد و مطابق صلح‌نامه‌های ایرانیان با او صلح کرد. (ابن الاثیر، بی تا: ج ۳، ص ۵۳)

از میان خلفای راشدین، حضرت علی (ع) سیاست منطقی تری درباره این قبیل سنن از جمله عید مهرگان داشت. حضرت، از یک طرف، مهرگان را همانند نوروز به عنوان یک عید رسمی برای مسلمانان به رسمیت نمی‌شناخت، و از طرفی دیگر، به نظر می‌رسد این خلیفه مسلمانان در برابر هدیه‌های مهرگانی مردم سیاست منفعل تری اعمال می‌کرد. سیاست وی بر پذیرش هدایای مهرگانی و نوروزی نبود و اگر اموالی به مناسبت این ایام از سوی حاکمان برایش فرستاده می‌شد آنها را جزء خراجشان قرار می‌داد، چراکه در دین اسلام نسبت به هدیه سفارشات فراوانی شده است. پیامبر اسلام در این باره فرموده است: «الهدیه رزق من الله، فمن أهدى إليه شيء فليقبله ولا يردده، ولا يكافئه عليه». و یا در جایی دیگر می‌فرماید: «تهابوا تحابوا فان الهدية تذهب الشخيمة (الحقد والعداوة) وتزيل و حر (حقد) الصدور و...». و گفته شده است پیامبر (ص) هدیه را می‌پذیرفت و چیزی بهتر از آن هدیه را می‌بخشید. (ابن عبدالبر، بی تا: ج ۱، ص ۲۸۰)

صاحب کتاب وفيات الاعيان به نقل از اسماعیل بن حماد روایتی را از رفتار علی (ع) در برابر مهرگان نقل کرده که قابل توجه است. او می‌گوید:

نعمان بن مرزبان در روز مهرگان بر علی (ع) وارد شد و (به مناسبت مهرگان) فالوده‌ای به او هدیه داد. حضرت آن را میل کردند و فرمودند: «مهرجونا كل يوم». (ابن خلکان، ۱۹۴۹ م: ج ۵، ص ۷۳۶)

ابن عبدالبر می‌گوید:

روایت‌های اهل ثقه بر این نکته تأکید دارند که حضرت علی (ع) آنچه را که عاملان وی به او هدیه می‌کردند در بیت‌المال مسلمانان قرار می‌داد. (ابن عبدالبر، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۸۱)

مهرگان در دوره بنی‌امیه

خلفای راشدین به خوبی توانستند در برابر تنوع فرهنگی ایران مقاومت کنند، اما این وضع ادامه پیدا نکرد. دور شدن اعراب در دوره بنی‌امیه از آیین اسلام به غوطه‌ور شدنشان در فرهنگ مردم ایران منجر شد. ساختار سیاسی حکومت اسلامی تغییر کرد. آنها در برابر ساختار و نظام سیاسی، اداری، اجتماعی و فرهنگی مردم ایران ناگزیر به پایه‌گذاری ساختار نوینی براساس نوعی از اشرافی‌گری عربی شدند. نوع و شکل حکومت و نظام حکومت‌داری معاویه مؤید این سخن است.

همان‌طور که پیش از این ذکر شد، معاویه از هدایای مهرگانی بسیار استقبال کرد و آنها را مطابق میل خود، مانند شاهان ساسانی، بذل و بخشش می‌کرد. گاهی هدایای هدایا در دوره بنی‌امیه چنان مورد توجه قرار می‌گرفت که زبانزد می‌شد؛ چنان‌که قعقاع همدم معاویه به این افتخار دست یافت. صاحب کتاب مختصر تاریخ دمشق آورده است:

در روز مهرگان، هدایایی به معاویه اهدا شد که در آن جام‌های طلا و نقره بود. معاویه جام‌ها را به همنشینانش داد و به قعقاع نیز جام طلایی داد. در کنار قعقاع مرد اعرابی نشسته بود که به او چیزی نداد. قعقاع جام طلا را به وی بخشید و آن اعرابی بلند شد و از فرط خوشحالی می‌گفت:

كُنْتُ جَلِيسَ قَعْقَاعِ بْنِ عَمْرِو وَ لَا يَشْقِي بِقَعْقَاعِ جَلِيسِ

(ابن‌منظور، ۱۴۰۸ هـ. ق: ج ۲، ص ۳۶)

همنشین قعقاع بن‌عمر بودم و کسی که همنشین قعقاع است، بدبخت نمی‌شود.

بیت مذکور، مدت‌ها بر سر زبان مردم می‌گشت و مانند ضرب‌المثلی به کار برده

می‌شد.

در این دوره، حاکمان بنی‌امیه در سرزمین‌های ایران مانند شاهان ساسانی در کاخ سلطنتی بار عام داشتند و دهقانان با هدایای گرانبها بر آنها وارد می‌شدند. یزیدبن عمر بن هبیره که در سال ۱۲۸ ه. ق. بر عراق ولایت داشت، در روز مهرگان حاضر شد و در کاخ حجاج نشست و ضمن پذیرایی از مهمانان، بر سریری جلوس کرد و اذن دخول داد. دهقانان با هدایای مهرگانی بر او وارد شدند. یزید نیز این هدایا را به مردم می‌بخشید. خلف‌بن خلیفه شاعر که در کنار حاکم بود در توصیف این صحنه ابیاتی سروده است که صاحب کتاب الشعر والشعراء بخشی از آن را چنین ذکر کرده است:

كَأَنَّا شَمَامِيْسُ فِي بَيْعَةٍ نُقَسَّسُ فِي بَعْضِ عِيَادَتِهَا

تو گویی که ما خدمتکاران کلیساییم که در یکی از اعیادشان به مرتبه کشیشی می‌رسند.

وَ قَدْ حَضَرَتْ رُسُلُ الْمِهْرَجَانِ وَ صَفُّوا كَرِيْمَ هِدَايَاتِهَا...

(ابن قتیبه دینوری، ۱۳۰۹ ه. ق. ج ۲، ص ۷۱۴)

فرستاده‌شدگان مهرگان آمده‌اند و هدایای نیکویشان را منظم و مرتب چیده‌اند.

طبری نیز به برگزاری عید مهرگان در نزد حاکمان عرب بنی‌امیه در سرزمین بلخ اشاره کرده است و می‌گوید: در سال ۱۲۰ ه. ق. در زمان بنی‌امیه، امیران و دهقانان با هدایای فراوان نزد اسدبن عبدالله حاکم بلخ آمدند و از میان آنها ابراهیم‌بن عبدالرحمن حنفی، عامل وی در هرات، وارد شد و آنقدر هدیه داد که انبوهی از طلا و نقره جمع شد (الطبری، بی تا: ۱۳۶۱).

از این روایت چنین برمی‌آید که استقبال حاکمان و فرماندهان عرب از مهرگان و اعطای هدایا به مافوق خود، کمتر از استقبال دهقانان ایرانی از مهرگان نبوده است. نهاربن توسعه در توصیف بار عام دهقانان در نزد اسدبن عبدالله با گوشه و کنایه زدن به آنها می‌گوید:

تَقْلُونَ إِنْ نَادَى الزَّوْعُ^۱ مَثُوبٌ^۲ و أَنْتُمْ غَدَاةَ الْمَهْرَجَانِ كَثِيرٌ

آنگاه که منادی جنگ شما را به جنگ فرا می‌خواند اندک هستید، درحالی‌که تعداد

شما در صبح روز مهرگان (برای به‌دست آوردن هدیه) زیاد است.

هدایای مهرگانی گاهی اوقات در این دوره حاکمان را به سوءاستفاده وامی‌داشت، به‌گونه‌ای که پرداخت این هدیه‌ها همانند خراج بر مردم اجبار می‌شد. روایت شده است حجاج‌بن‌یوسف ثقفی به زور اموال دهقانان و ورثه آنان را تصاحب می‌کرد و هدایای هدایای مهرگانی را برای حاکمان اجبار می‌کرد. (شکری‌الأسوسی، ۱۳۴۲، ص ۱، ص ۳۵)

مهرگان در دوره عباسی

در دوره بنی‌امیه، عملکرد غیردینی برخی از حاکمان مسلمان در سرزمین ایران، ایرانیان را در سکوت فروپاشی نظام پادشاهی خویش مات و مبهوت به‌سوی بازیافتن هویت پیشین خود سوق می‌داد؛ چنان‌که در بازگشت مردم بسیاری از مناطق، مانند خراسان و سیستان از دین اسلام، پیش از این یادآور شدیم. در بطن اجتماع کماکان سنت‌های اجتماعی و فرهنگی به حیات خویش ادامه می‌داد. این سنن در عصر بنی‌امیه به‌علت نفوذ کمتر دین اسلام در میان مردم و فراهم‌نبودن زمینه برای مباحثات و مجادلات اعتقادی کمتر به چالش شدیدی کشیده می‌شد.

در عصر عباسی اگرچه خلافت عباسی یادآور نظام حکومتی شاهنشاهی عصر ساسانی بود و ایرانیان، بسیاری از امور اداری و سیاسی را در دست گرفتند، نباید فراموش کنیم که با نفوذ دین اسلام در میان توده مردم و فراهم‌شدن زمینه‌های مباحثات اعتقادی مسلمانان و غیرمسلمانان کم‌کم برخی از سنت‌های فرهنگی این مرز و بوم، همانند اعیاد باستانی نوروز، مهرگان و سده به‌علت ماهیت وجودی غیراسلامی خویش به چالش کشیده شدند. هجوم‌های متعدد فقها و متکلمان و برخی از فرق دینی و خلفا بیانگر این

مهرگان در عصر اسلامی و بازتاب آن در ادب عربی این دوره ۲۳

مسئله است. برخی از خلفای عباسی تحت تأثیر جریان‌های مذهبی و سیاسی گاهی بر این رسوم و اعیاد حمله می‌بردند و تلاش می‌کردند که هیچ رسمی از این رسوم باقی نماند. بختری - شاعر نامی عرب - در بیت زیر به این مسئله اشاره کرده است و خطاب به مهتدی و برای خوشایند این خلیفه عباسی می‌گوید:

رددت هداياالمهرجان و لم تكن

لتسخرالنفوسالوفر عون مستفادها

تو هدیه‌های مهرگانی را پس فرستادی درحالی‌که هیچ‌یک از کریمان عادی از آن بی‌نیاز نبودند.

و عادیات اعیان المصلین معلناً و لولاالتحری للهدی لم تُعادیها

(دمخدا، امثال و حکم، ج ۳، ص ۶۲)

با اعیاد مردم گمراه‌کننده آشکارا دشمنی کردی و اگر به‌خاطر پیروی از راه حق نبود این کار را نمی‌کردی.

ابوحامد محمد غزالی در حمله بر اعیاد ایرانی به نکته جالبی اشاره می‌کند. او می‌گوید:

از زمان‌های پیش از او، عده‌ای با برنامه‌هایی خاص تلاش می‌کردند از طریق جایگزین کردن احکام اسلامی، این رسوم را از بیخ و بن برکنند. وی در بخشی از سخنانش آورده است: «... و آنچه برای سده و نوزده می‌فروشدند، چون سپر، شمشیر و بوق سفالین باید که مندرس شود و کس نام آن را نبرد تا جایی که گروهی از سلف گفته‌اند که به نوزده باید روزه داشت تا از آن طعام‌ها خورده نیاید و شب سده چراغ فرا نباید گرفت تا اصلاً آتش نبیند...»

شاید به همین منظور بود که گروهی از پیشوایان مسلمان نیز بر این باور بودند که در نوزده باید لباس زیبا پوشید و روزه گرفت. در میان فرق مختلف اسلامی، قرامطیان بر این باور بودند که روزه تنها در دو روز و آن هم در روزهای نوزده و مهرگان واجب است. و اگر به کتاب‌های فقهی اهل سنت مراجعه کنیم، درمی‌یابیم که نوزده و مهرگان تا چه اندازه ذهن آنها را در صدور احکام فقهی مربوط به «بیع»، «صیام»، «عقد» و سایر مسائل مشغول داشته و باعث شده بود که آنان از ایراد محدودیت‌های فراوان در مسائل فقهی در اعیاد

مهرگان و نوروز سخن بگویند.

از عوامل مهم دیگری که اجرای مراسم مهرگانی را تحت‌الشعاع خود قرار داد، جایگزینی احکام و عبادات اسلامی و غلبه آنها بر این اعیاد بود. گاهی این اعیاد که با جشن و سرود و موسیقی و شرابخواری و شعرسرایبی و... همراه بود، با ایام مذهبی مسلمانان مصادف می‌شد و مانند سدی از خوشگذرانی در این اعیاد می‌کاست. تاریخ بیهقی آورده است:

در روز چهارشنبه، نهم ذی‌الحجه، امیر (امیرمسعود) به جشن مهرگان نشست و هدیه‌ها بسیار آوردند و روز عرفه بود. امیر روزه داشت و کسی را زهره نبود که پنهان و آشکارا نشاط کردی. (بیهقی، ۱۳۵۶ ه. ش. : ۶۹۷)

مهیار دیلمی شاعر گرانقدر این دوره نیز به این امر توجه کرده است و با اشاره به مانع شدن رمضان از مراسم مهرگانی، خطاب به ابومنصور یزدانفار، حاکم وقت، می‌گوید:

اليوم عيدٌ من الملوكِ جُدوده الـ ماضون، حقٌ مستفيضٌ شائعٌ
امروز عیدی از جانب پادشاهان و نیاکان گذشته فرا رسیده است که حق بزرگ و فراوان برگردن دارد.

کم من نصيبٍ للخلافةِ عندنا في مثله «رمضان» منه مانعٌ

(الديلمی، ۱۳۴۴ ه. ق. : ج ۲، ص ۶۱)

چه بسیار ما سهم و بهره از پادشاهی داشتیم که رمضان و مانند آن مانعی از رسیدن ما به آن شدند.

به نظر می‌رسد در اعیاد نوروز و مهرگان مراسم جشن عروسی نیز برپا می‌شده و مردم جشن مضاعفی را با مقارن ساختن مراسم عروسی در این اعیاد برپا می‌کردند. و همان‌طور که عنوان شد، برخی از فقهای مسلمان به منظور محو این اعیاد، با اعتقاد بر اینکه نوروز و مهرگان از زمان‌های معمول مسلمانان نیست، شرط عقد در نوروز مهرگان را فاسد و حرام دانستند و به این سبب بسیاری از ایرانیان مسلمان تقارن مراسم عروسی و مهرگان را گرامی نداشتند و یا گروهی از فقها خرید و فروش کالا برای ایام نوروز و مهرگان

مهرگان در عصر اسلامی و بازتاب آن در ادب عربی این دوره ۲۵

را حرام اعلام می‌کردند و گروهی در برابر جشن و شادی ایرانیان در این اعیاد در مساجد به زهد و اعتکاف می‌نشستند و یا حکم به ابطال عقد منعقدشده در اعیاد نوروز و مهرگان می‌دادند. در برابر این جریان، گروهی از شاعران و غیرشاعران بودند که به دلیل حس وطن‌دوستی و یا به سبب مقاصد و منافع مادی خویش به دفاع از مهرگان برخاستند. بختی در بخشی از مداخلش در مورد ابراهیم بن حسن - از خاندان وزارت عباسی - گرامیداشت این عید را حقّ همه ایرانیان می‌داند و می‌گوید:

إِنَّ لِلْمَهْرَجَانِ حَقًّا عَلَى كُلِّ كَبِيرٍ مِنْ فَارِسٍ وَ صَغِيرٍ

همانا مهرگان بر خرد و کلان ایرانی حقّ دارد.

عِيدُ آبَائِكَ الْمُلُوكِ ذُوِي التِّيْجَانِ أَهْلُ النَّهْيِ وَ أَهْلُ الْخَيْرِ

مهرگان عید نیاکان پادشاه تاجدار تو است، کسانی که خردمند و نیکوکار بودند.

مِنْ قِبَادٍ وَ يَزْدَجْرِدٍ وَ فَيْرُوزٍ وَ كَسْرِيٍّ وَ قَبْلَهُمْ أَرْدَشِيرِ

(الوليد بن عبیدالبختري، ص ۲۷۰)

کسانی چون قباد، یزدگرد، فیروز، خسرو و اردشیر که پیش از آنان بود.

و یا مهیار دیلمی در توصیه‌ای خطاب به یزدانقار در حفظ مهرگان می‌گوید:

فَالْبِسْ لَهُ حُلَّ الْمَعْمُرِ بَعْدَهُ فِي الْعَزْمِ مَا نَجَمَ الْهَلَالُ الطَّالِعِ

(الدیلمی، ۱۳۴۴ هـ. ق. ج ۲، ص ۱۷۶)

پس لباس جاودانگی و عزت را تا زمانی که ماه می‌درخشد بر آن «مهرگان» بپوشان.

و یا فردوسی از تجدید حیات مهرگان سخن می‌گوید و چنین می‌سراید:

بَكَرْدِ اَنْدَرِ اَنْ كَوْهٍ اَتْشَكْدَه بَدُو تَازَه شَدِ مَهْرگانِ وَ سَدَه

(دهخدا، ۱۳۲۵ هـ. ش. ذیل واژه «مهرگان»)

البته با همه مخالفت‌هایی که در این میان وجود داشت، خلفای عباسی عمدتاً برای حفظ و تثبیت قدرت خویش و به دلیل اینکه غالباً دارای وزیران و هیئت سیاسی - اداری ایرانی بودند، با توده مردم همراهی می‌کردند و مانند شاهان ساسانی بار عام داشتند و ضمن اینکه هدایای امرا و دهقانان و شاعران را می‌پذیرفتند، در برابر، به آنها هدیه

می‌دادند و گاهی برای رسیدن به مقاصد سیاسی خویش، پیشوایان دینی، مانند امام رضا(ع) را به جای خویش در بار عام قرار می‌دادند. پرسش از چگونگی پیدایش مهرگان و یا توجیه فلسفه پیدایش نوروز با آیه شریفه «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ، فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أُنْيَاهُمْ...» (بقره/۲۴۳) توسط مأمون، حاکی از کنجکاوی و علاقه‌مندی آنها از این مشخصه‌های فرهنگی است (الاصفهانی، ۱۴۲۵ هـ. ق. ج ۴، ص ۴۶۳).

مشخصه بارز مهرگان که نقش مهمی در واردکردن شاعران و نویسندگان در عرصه توصیف جوانب گوناگون این عید باستانی داشت، سنت اهدای هدیه بود؛ چیزی که در دین اسلام در احادیث و قرآن کریم (نمل/۳۶) - همان‌گونه که بیشتر ذکر شد - مورد توجه و تأکید بود و همانطور که شاعر گرانقدر ابن‌الارقم‌الزبیدی در ابیات زیر به اهمیت آن اشاره کرده است و می‌گوید:

هدايا للناس بعضهم لبعض
و تزرع في الضمير هوى ووداً
تؤلّد في قلوبهم الوصالا
و يكسوفهم إذا حضروا جمالا

(ابن‌عبدالبر، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۸۲)

هدیه‌های برخی از مردم به برخی دیگر در دل‌هایشان وصال و دوستی به‌وجود می‌آورد، و در وجود انسان عشق و دوستی می‌کارد و آنگاه که جمع و حاضر شوند لباس زیبایی را بر آنها می‌پوشاند.

در جشن‌های مهرگان، مردم از هر صنف، آنچه را بیشتر دوست می‌داشتند هدیه می‌دادند. این سنت که از دیرباز در عید مهرگان مرسوم بود شامل خطیبان و شاعران نیز می‌شد.

شعر، خطبه‌ها و جمله‌های زیبا، همانند عصر ساسانیان، بعدها در دوره اسلامی، به‌ویژه در عصر عباسی، به‌مناسبت عید مهرگان بر حاکمان و خلفا عرضه می‌شد. مؤلف تاریخ بیهقی حضور شاعران در عید مهرگان را چنین بیان می‌دارد:

در روز یکشنبه، چهارم ذی‌الحجه (امیرمسعود غزنوی) به جشن مهرگان نشست و از آفاق مملکت هدیه‌ها در ساخته بودند. پیشکش را در آن وقت بیاوردند و اولیا و حشم

مهرگان در عصر اسلامی و بازتاب آن در ادب عربی این دوره ۲۷

نیز بسیار چیز آوردند و شعرا شعر خواندند و صلت یافتند. (بیهقی، ۱۳۵۶ ه. ش.:

۶۹۷)

این مؤلف با اشاره به توجه امیر به شعر در عید مهرگان، به عدم ثبت آن اشعار و از بین رفتن آنها اشاره می‌کند و می‌گوید:

این خداوند شعر می‌خواست و بر آن صلت‌های شگرف می‌فرمود و آن قصاید
ننیشتم؛ و اگر آن همه قصاید آورده شدی سخت دراز گشتی، و معلوم است که در
جشن‌ها بر چه نمط گویند. (همان)

بسیاری از شعرا به مناسبت فرارسیدن مهرگان حاکمان را مدح و ستایش می‌کردند و از
هدایای آنها بهره‌مند می‌شدند؛ از جمله این شاعران مهیار دیلمی است. روحیه این شاعر
که مملو از وطن‌دوستی و توجه به فرهنگ ملی است او را بر آن می‌داشت که دیوان
اشعارش را سرشار از مدایح مهرگانی و نوروزی کند.

شاعر عصر عباسی ابن یزید مهلبی تنها هدیه ماندگار را مدح شعری‌اش خطاب به
معتد عباسی می‌داند و می‌گوید:

سَبِیْقَى فِیْکَ مَا یَهْدِی لِسَانِی اِذَا فَنِیْتُ هِدَایَا الْمَهْرَجَانِ
قَصَائِدُ تَمَنَّا الْاَفَاقَ مِمَّا اَحَلَّ اللّٰهَ مِنْ سِحْرِ الْبِیَانِ

(ابن عبدربه الاندلسی، ۱۴۰۷ ه. ق.، ج ۷، ص ۳۱۵)

آنگاه که هدیه‌های عید مهرگان از بین بروند، آنچه را زبانم به تو هدیه کرده است
برایت باقی خواهد ماند.

قصیده‌هایی که افقها را از آنچه که خداوند متعال از جادوی سخن و بیان حلال
دانسته بر می‌کند.

مروان بن ابی حفصه شاعر عصر عباسی نیز در مدح معتد عباسی در توصیف هدیه

شعری خویش می‌گوید:

بِدَوْلَةِ جَعْفَرِ حُمِدِ الزَّمَانِ لِنَابِكِ كُلِّ يَوْمٍ مَهْرَجَانُ

در دولت جعفر زمان ستوده شده، برای ما وجود تو هر روز مهرگان است.

جَعَلْتُ هَدِيَّتِي لَكَ فِيهِ وَشَيْئاً وَ خَيْرَ الْوَشْيِ مَا سَبَّحَ اللِّسَانُ

هدیه‌ام قرار دادن این روز زیبا است و بهترین زیب و زیور همان است که بر زبان جاری می‌شود.

و یا شاعری دیگر در مدح متوکل عباسی به همین مناسبت می‌گوید:

عِيدٌ جَدِيدٌ وَ أَنْتَ جَدُّهُ يَا مَنْ لِلزَّمَانِ تَجْدِيدُ

(الجاحظ، ۱۴۰۶ هـ. ق: ۲۳۹)

عید نویی است و تو تازگی و تجدید حیات آنی، ای کسی که برای زمان نوآور و تجدیدی هستی.

گاهی شاعران در این دوره به همراه مدایح شعری خود هدایایی نیز بدین مناسبت برای حاکم یا خلیفه می‌فرستادند و آن را توصیف می‌کردند. و گاهی این هدیه کنیزکی زیبا بود که شاعر در توصیف آن می‌گوید:

بَعَثْتُ إِلَيْكَ ضَحَى الْمَهْرَجَانِ بِمَعشوقَةِ الْعَرَفِ^۱ وَالْمَنْظَرِ

پیش از ظهر عید مهرگان معشوقه‌ای خوشبو و زیبا را برایت فرستادم.

مِعْطَرَةٌ صَانَهَا فِي الْجِجَالِ مَطَارِفُ مِنْ سُنْدُسٍ^۲ أَخْضَرِ

محبوب معطری که جامه‌های سبزرنگ ابریشمی نقش و نگار شده او را در سراپرده‌ها محفوظ نگه داشته است.

۱. بوی خوش

۲. پارچه ابریشمی ظریف

مهرگان در عصر اسلامی و بازتاب آن در ادب عربی این دوره ۲۹

الصابی - شاعر عصر عباسی - «أسطرلابی»^۱ در روز مهرگان به عضدالدوله هدیه داد و به همراه آن نوشت:

أهدى إليك بنو الاملاكِ واخْتَفَلُوا في مهرجانٍ جديدٍ أنتَ تَبْلِيهِ
ثروتمندان و بزرگان در عید نویی از مهرگان که تو آن را کهنه ساخته‌ای و به اتمام
می‌رسانی، هدیه‌هایی به تو بخشیدند و جشن گرفتند.

و به همین مناسبت مردی به متوکل جامی از جنس طلا هدیه داد و در نثری زیبا نوشت:

«بأنَّ الهدية إذا كانت من الصغير الى الكبير كلما لطفت و دقت كانت أبهى و
أحسن، و إذا كانت من الكبير الى الصغير فكلمًا عظمت و جلّت كانت أوقع و
أنفع.

(الأبشيهي، ۱۹۸۶ م: ج ۲، ص ۱۲۰)

از آنجا که نمک در دو فرهنگ کهن ایرانیان دارای قداست و ارزش بالایی بود و شاهان، عهدنامه‌های خود با ممالک دیگر را با کیسه‌های کوچک نمک به منظور پایبندی به عهد و پیمان ممه‌ور می‌کردند، در دوره عباسی گاهی اوقات نمکدان در جایگاه یک هدیه قرار می‌گرفت.

ابراهیم بن مهدی به اسحاق موصلی - موسیقیدان بزرگ عصر عباسی - نمکدانی هدیه داد و به همراه آن نوشت:

لولا أنَّ القلّة قصّرت عن بلوغ الهمة لأتعبت السابقين الى برك، ولكن البضاعة
قعدت بالهمة، و كرهتُ أن تطوى صحيفة البر، و ليس فيها ذكر فبعثُ بالمبتداء

۱. وسیله‌ای برای رصد سیارات و اوقات شب و روز

به لیمنه و برکته: و المختوم به لظیبه و نظافته، و أقا ما سوی ذلک فالمعبر عنا
 فيه كتاب الله تعالى اذ يقول: «لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا
 عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ خَرْجٌ...». (توبه / ۹۱).

ابوالعتاهیه شاعر - زهدسرای عصر عباسی - به یکی از شاهان «نعلینی» به مناسبت
 عید مهرگان هدیه داد و نوشت:

نعلٌ بعثتُ بها لِتلبسها رجلاً بها تسعی الی المجدِ
 لوکان یصلح أن أشركها خدی جعلتُ شراکها^۱ خدی

(ابن عبدربه الاندلسی، ۱۴۰۷ هـ. ق: ج ۷، ص ۳۱۳)

نعلینی را برایت فرستادم تا آن را بیوشی با پاهایی که برای رسیدن به مجد و بزرگی
 تلاش می کند.

اگر درست بود که گونه ام را جای پای گام هایت قرار دهم، این کار را می کردم.

و گاهی این تنوع هدیه رسانی ضرب المثلی می شد و در میان مردم رواج می یافت.
 گفته شده است ابوالهذیل به موسی بن عمران در مهرگان مرغی هدیه داد که همیشه از
 نیکویی و چاقی آن مرغ تعریف می کرد و هرگاه حادثه ای رخ می داد، می گفت: «ذلک قبل
 أن أهدی لکم الدجاجة شهر». و این ضرب المثلی شد برای کسی که هدیه اش را همواره یاد
 کند و بزرگ شمارد.

این گونه توصیفات به همراه هدایا در اعیاد مهرگان و نوروز باعث شد تا فن «المکاتبة
 فی التهنانی» در این دوره رواج یابد. پیام های تبریک عید مهرگان مضمون کارت های
 ارسالی بود که برای شادباش میان مردم به صورت عبارت های شعری یا عباراتی مسجع و
 زیبا رواج یافت، و گفته شده است احمد بن یوسف اولین کسی بود که این رسم را در زمان
 مأمون رواج داد. (رضی، ۱۳۸۳ هـ. ش: ۷۰)

مهرگان در عصر اسلامی و بازتاب آن در ادب عربی این دوره ۳۱

حجم و گستردگی رواج ارسال هدایای مهرگانی به همراه غنای موسیقی و شعرسرایی را می‌توان از نوشته و اشعار کنیزک مأمون استنباط کرد. او می‌نویسد: «ای امیر! هنگامی که رقابت رعیت در امر ارسال هدایا و الطاف فراوان و پی‌درپی آنها را نسبت به شما دیدم به هدیه‌ای برای شما اندیشیدم که هزینه آن سبک بوده و ارزش آن بزرگ...». او با انتخاب سیب به عنوان هدیه، ضمن توصیف آن از زبان شاعر می‌گوید:

حَمْرَةُ التَّفَاحِ مَعَ خَضْرَوَيْهِ أَقْرَبُ الْأَشْيَاءِ مِنْ قَوْسِ قَزَحٍ

سرخ‌سیب به‌همراه رنگ‌سبز آن مانند‌ترین چیزها به رنگین‌کمان است.

فَعَلَى التَّفَاحِ فَاشْرَبْ قَهْوَةً وَاسْقِنِيهَا بِنَشَاطٍ وَ قَزَحٍ

بس به‌همراه سیب، شرابی نیز بنوش و یا نشاط و خوشحالی به من نیز جرعه‌ای بنوشان.

لَمْ غَنُّ لِكِي تَطْرِبْتِي طَرَفُكَ الْفَتَانُ قَلْبِي قَدْ حَزَحَ

(ابن عبیدر به لاندلسی، ۱۳۵۱ هـ، ق. ۲، ص ۳۱۶)

سپس آوازی سرده تا مرا به ضرب و وجد آوری (و بدان که) چشمان نسته‌انگیز و دل‌بایست قلبه را زخمی ساخته است.

همان‌گونه که در اشعار کنیزک مأمون آمده است، یکی دیگر از جنبه‌های جشن مهرگان مهرگان موسیقی و آوازخوانی در کنار شعرسرایی بود. موسیقیدانان به نوازندگیت آهنگ‌های مهرگانی می‌ساختند و به خانقاه‌ها و شاهان تقدیم می‌نمودند. نظامی که به‌عنوان نام‌سی‌نحی از آهنگ موسیقی ایرانی را آورده است که نحی به‌معنای آواز، احسن مهرگانی، ساخته پارسی، موسیقی‌دانان بزرگ غلام‌سهستانی هستند. نظامی در توصیف آن آهنگ می‌گوید:

چو نو کردی نثرای مهرگانی بپردی هدی خلق از سپربانی

(نظامی، ۱۳۱۳ هـ، ص ۲۰۰)

علی‌اکبر دهخدا می‌گوید: مهرگان بزرگ و مهرگان کوچک نام دو مقام از آهنگ‌های

مخصوص جشن مهرگان بود که در کنار عطرافشانی و رد و بدل شدن هدایا نواخته می‌شد. در این دوره نوشیدن شراب در کنار رقص رقاصان و شعرسرایی و آوازخوانی به همراه خوردن انار و استشمام گلاب که آنها را مسبب صیانت از بدبختی می‌دانستند، گویی از مواردی بود که خلافت عباسی از پادشاهی ساسانی به ارث برده بود. بسیاری از این سنت‌ها را می‌توان در شعر شاعران پارسی‌گوی یا تازی‌سرای جست‌وجو کرد. فردوسی به گوشه‌هایی از این سخن اشاره می‌کند و می‌گوید:

بگرد اندر آن کوه آتشکده	بدو تازه شد مهرگان و سده
پرستیدن مهرگان دین اوست	تن آسایی و خوردن آیین اوست
همه زو و عنبر بیامیختند	ز شادی به سر بر همی ریختند

(دعخدا، ۱۳۲۵ ه. ش.؛ ذیل «مهرگان»)

و شاعر عرب با بهره‌گیری از این اشعار فردوسی در توصیف سنن مهرگانی می‌گوید:

فأمر بإيقاد النيران	و احراق العنبر والزعفران
تقدیس مهرجان دینه	والراحة والأكل آینه
والیوم، ذکری منه شهر مهر	فاسع و لا تستسلم لیغم

(پورد اوود، ۱۳۳۸ ه. ش.؛ ۱۲۵)

مسعود سعد سلمان - شاعر قرن پنجم و ششم - در مدح یکی از حاکمان به مناسبت

مهرگان می‌گوید:

به خدمت پیش روی او میان بسته است شاخ گل

ز حشمت پیش زلف او سرافکندست سیسنبز

به خوی و عادت آبا به جمع زایران زر ده

به رسم و سیرت اجداد جشن مهرگان می‌خور

(سعد سلمان، ۱۳۶۲: ه. ش.؛ ۳۲۶)

و ابن رومی در قصیده‌ای که به مناسبت عید مهرگان سروده است، به آمیختگی رقص

مهرگان در عصر اسلامی و بازتاب آن در ادب عربی این دوره ۳۳

و آواز و موسیقی قومیت‌های مختلف در این جشن اشاره می‌کند و در بخشی از آن می‌گوید:

و قیان کأنها أمهاتُ عاطفاتُ، علی بنیها حوان

اینها کنیزکانی آوازخوان‌اند که مانند مادرانی باعاطفه و مهربان برای فرزندانشان هستند.

مطفلاتُ؛ و ما حملن جنیناً مرضعاتُ، و لسن ذات لبان

کودکائی دارند و ایستن نبوده‌اند، شیرده‌اند و سینه‌ای ندارند.

کلّ طفل یدعی بأسماء شتی بین عود و مزهر و کران...

(شیخو، ۱۴۱۹ هـ. ق. ج ۳، ص ۱۲۷)

در میان آهنگ‌های عود و مزهر و کران، هر کودکی با نامی متفاوت خوانده می‌شود.

به هر حال، مهرگان به عنوان یک عید باستانی با پشتوانه اعتقادی که به همراه داشت، توانست به عنوان شاخصی مهم از شاخصه‌های فرهنگی ایران در کشاکش تحولات پس از دوره ساسانیان در عرصه زندگی ایرانیان به‌ویژه توده مردم و به تبع آنها حاکمانشان در برابر مخالفان که عمدتاً با مباحثات و مجادلات دینی و سیاسی خویش سعی در کم‌رنگ‌ساختن و محوکردن آن داشتند تا زمان حمله مغول باقی بماند و طبع شاعران پارسی‌گویی نظیر: فردوسی، دقیقی، امیرمعزی، رودکی، منوچهری دامغانی، عنصری، فرخی سیستانی، فخرالدین اسعد گرگانی، قطران تبریزی، انوری ابیوردی و غیره را برانگیزد تا در کنار شاعران تازی‌سرایی مانند مهیار دیلمی، بحتری، ابوالعتاهیه، شریف رزی، شریف مرتضی، ابن‌رومی، ابن‌المعتز، ابواسحاق صابی، ابن‌مطران، سهل‌بن احمد، عبدالواحد بن حریش، ابو‌عبدالله محمد، ابن‌بابک و بسیاری دیگر مهرگان و سنت‌های آن را در اشعار خود تجلی بخشند. مهرجانیاتی که مولود فرصت نمایش شعر شاعران و موسیقی موسیقیدانان بود، به نحوی که می‌توان آنها را به‌طور پراکنده در کتاب‌های الثعالبی، عقدالفرید، کتب تاریخ یا دیوان شاعران و... جست‌وجو کرد. دکتر

کتابنامه

- أذرنوش، أذرتاش. ۱۳۸۵ هـ. ش. چالش میان فارسی و عربی. ج ۱. تهران: نشر نی.
- الابشيهی، محمدبن احمد. ۱۹۸۶ م. المستطرف فی کل فن مستطرف. تحقیق مفید محمد قمیحه. المطبعة الثانية. بیروت: دارالکتب العلمية.
- ابن الاثیر. بی تا. الكامل فی التاريخ، با حاشیة ابوالعباس احمدبن الدمشقی. بی جا.
- ابن خلکان. ۱۹۴۹ م. وفيات الاعیان. تحقیق محمد محیی الدین. الطبعة الاولى. القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
- ابن عبدالبر. بی تا. بهجة المجالس و انوار المجالس. تحقیق محمد مرسى الخولى و عبدالقادر القفا. الدار المصرية للتألیف والترجمة.
- ابن عبدربه الاندلسی، ۱۴۰۷ هـ. ق. العند الفرید. تحقیق مفید محمد قمیحه. الطبعة الثالثة. بیروت: دارالکتب العلمية.
- ابن قتیبة الدینوری. ۱۳۰۹ هـ. ش. الشعر والشعراء. تحقیق احمد محمد شاکر. القاهرة.
- ابن منظور. ۱۴۰۸ هـ. ق. تاریخ مختصر دمشق. دارالکتب العلمية.
- الاصفهانی، الراغب. ۱۴۲۵ هـ. ق. محاضرات الادبا و محاورات الشعراء والبلغاء. تحقیق ریاض عبدالحمید مراد. الطبعة الاولى. بیروت: دارصادر.
- بلعمی، ابوعلی. ۱۳۷۰ هـ. ش. تاریخ بلعمی. تحقیق رضا انزابی نژاد. ج ۲. انتشارات دانشگاه تبریز.
- بیرونی، ابوریحان. ۱۳۵۲ هـ. ش. الآثار الباقیة عن القرون الخالیة. ترجمة اکبر داناسرشت. تهران: انتشارات سینا.
- بیهقی، محمدبن حسین. ۱۳۵۶ هـ. ش. تاریخ بیهقی. تصحیح علی اکبر فیاض. ج ۲. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- یورداوود، ابراهیم. ۱۳۳۸ هـ. ش. «مهر و المهرجان»، مجلة الدراسات الادبية. لبنان.
- الجاحظ، عمرو بن بحر. ۱۴۰۶ هـ. ق. المحاسن والاضداد. تحقیق عاصم العیتانی. الطبعة الاولى. لبنان، بیروت: دار احیاء العلوم.
- الجوالیقی، ابومنصور. ۱۳۶۱ هـ. ق. المعرب من الکلام الاعجمی علی حروف المعجم. القاهرة:

۳۶ ادبیات تطبیقی

دارالکتب المصریة.

الحموی، یاقوت، ۱۴۰۸ هـ. ق. معجم البلدان، دار بیروت للطباعة والنشر.

دهخدا، علی اکبر، ۱۳۲۵ هـ. ش. لغت نامه، تهران: چاپخانه مجلس.

_____ . امثال و حکم، ج ۴. تهران: انتشارات امیرکبیر.

الدیلمی، مهیار، ۱۳۴۴ هـ. ق. دیوان مهیار الدیلمی، الطبعة الاولى، القاهرة: دارالکتب المصریة.

رضی، سیدهاشم، ۱۳۸۳ هـ. ش. جشن های آب، ج ۲. تهران: انتشارات بهجت.

الزمخشری، بی تا، الکشاف، لبنان: دارالمعرفة.

سعد سلمان، مسعود، ۱۳۶۲ هـ. ش. دیوان، ج ۱، انتشارات گلشانی.

شکری الأوسی، سید محمود، ۱۳۴۲ هـ. ق. بلوغ العرب فی احوال العرب الشارح بهجت الاثری.

الطبعة الثالثة، دارالکتب العربی.

شیخو، الاب لويس، ۱۴۱۹ هـ. ق. المجانی الحدیثة، الشارح فؤاد افرام البستانی، الطبعة الرابعة، قم:

انتشارات ذوی القربی.

الصولی، ابوبکر محمد بن یحیی، ۱۳۴۱ هـ. ق. ادب الکاتب، المطبعة السلفية.

الطبری، محمد بن جریر، بی تا، تاریخ الطبری، تحقیق أبو صهبیب الکریمی، الرياض: بیت الافکار الدولية.

القلقشندی، أحمد بن علی، ۱۳۸۳ هـ. ق. صحح الاعشى فی صناعة الانشاء.

کریستن سن، آرتور، ۱۳۷۷ هـ. ش. ایران در زمان ساسانیان، ترجمة رشید یاسمی، دنیاى کتاب.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، بی تا، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمة ابوالقاسم یابنده، ج ۲.

تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.